Revolution Studies

Online ISSN: 3041-8704

https://trs.ri-khomeini.ac.ir

Research Institute of
Imam Khomeini and Islamic Revolution

Analysis of the Representation of Social Justice as One of the Ideals of the Islamic Revolution in the 12th Grade Sociology Textbook

Mohammad Karami Utari[1] ✉, **Amir Azimi Dolatabadi**[2]

1. Master's Graduate in Sociology, Institute for Humanities and Cultural Studies, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Mohammadkarami558@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. azimi@ir-khomeini.ac.ir

Article Info

Article type:
Research article

Received: April 06, 2026

Received in revised from:
April 26, 2026

Accepted: April 28, 2026

Published online: June 21, 2026

Keywords:
Content Analysis, 12th Grade Sociology, Social Justice, Islamic Revolution, John Rawls.

Abstract

Social justice is one of the most fundamental ideals of the Islamic Revolution of Iran and one of the most important components of the political and cultural identity of the Islamic Republic. Since the formal education system plays a significant role in transmitting the values and ideals of the Islamic Revolution to new generations, examining how the concept of social justice is represented in textbooks is of particular importance. The present study aims to analyze how social justice is represented as one of the ideals of the Islamic Revolution in the 12th-grade sociology textbook, based on John Rawls's theoretical framework of social justice. The research method employed in this article is directed qualitative content analysis, in which the fundamental principles of Rawls's theory–including liberty, equality of opportunity, the difference principle, the original position, primary goods, and the basic structure of society–served as the basis for data coding. The units of analysis were extracted from the written text, educational images, and activities of the textbook and were classified based on the intensity of reference, type of reference (direct and indirect), and the degree of relevance to the components of social justice. The findings indicate that although concepts related to social justice are relatively extensively addressed in some sections of the textbook, particularly in the lesson on "Social Inequality," their representation throughout the entire book lacks sufficient theoretical coherence, and some of the fundamental components of social justice have received less attention. Furthermore, the results suggest that there is a noticeable gap between the status of justice as one of the central ideals of the Islamic Revolution and the extent to which it is reflected in certain parts of the textbook.

Cite this article: Karami Utari, M. & Azimi Dolatabadi, A. (2026). Analysis of the Representation of Social Justice as One of the Ideals of the Islamic Revolution in the 12th Grade Sociology Textbook. *Revolution Studies*, 4 (7), 305-336. https://doi.org/10.22034/fademo.2026.585404.1194

© The Author(s). Publisher: **Research Institute of Imam Khomeini and Islamic**.
This is an open-access article distributed under the CC BY
(license http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

دوفصلنامه
انقلاب پژوهی
شاپا الکترونیکی: ۸۷۰۴-۳۰۴۱
https://trs.ri-khomeini.ac.ir
پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

تحلیل بازنمایی عدالت اجتماعی به مثابه یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی در کتاب درسی جامعه‌شناسی پایه دوازدهم

محمد کرمی اوتاری[۱] ✉، امیرعظیمی دولت آبادی[۲]

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
Mohammadkarami558@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. azimi@ir-khomeini.ac.ir

چکیده

عدالت اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی به شمار می‌آید. ازآنجاکه نظام آموزش رسمی نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به نسل‌های جدید دارد، بررسی نحوه بازنمایی مفهوم عدالت اجتماعی در کتاب‌های درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی چگونگی بازنمایی عدالت اجتماعی به مثابه یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی در کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم و بر اساس چهارچوب نظری عدالت اجتماعی جان رالز انجام شده است. روش پژوهش، در مقاله حاضر تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است که در آن اصول بنیادین نظریه رالز شامل آزادی، برابری فرصت‌ها، اصل تفاوت، وضعیت آغازین، خیرهای اولیه و ساختار اساسی جامعه مبنای کدگذاری داده‌ها قرار گرفته‌اند. واحدهای تحلیل از متن نوشتاری، تصاویر آموزشی و فعالیت‌های کتاب استخراج و بر اساس شدت اشاره، نوع اشاره (مستقیم و غیرمستقیم) و میزان ارتباط با مؤلفه‌های عدالت اجتماعی طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه مفاهیم مرتبط با عدالت اجتماعی در بخش‌هایی از کتاب، به‌ویژه در درس «نابرابری اجتماعی»، به‌صورت نسبتاً گسترده مطرح شده‌اند، اما بازنمایی آن‌ها در کل کتاب از انسجام نظری کافی برخوردار نیست و برخی از مؤلفه‌های بنیادین عدالت اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج حاکی از آن است که میان جایگاه عدالت به‌عنوان یکی از آرمان‌های محوری انقلاب اسلامی و میزان بازتاب آن در برخی بخش‌های کتاب، فاصله‌ای قابل مشاهده وجود دارد

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۲/۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۳/۳۱

کلیدواژه‌ها:
تحلیل محتوا، جامعه‌شناسی پایه‌دوازدهم، عدالت اجتماعی، انقلاب اسلامی، جان رالز.

استناد: کرمی اوتاری، محمد و عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۴۰۵). تحلیل بازنمایی عدالت اجتماعی به‌مثابه یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی در کتاب درسی جامعه‌شناسی پایه دوازدهم. *انقلاب پژوهی*، ۴(۷)، ۳۰۵-۳۳۶.
https://doi.org/10.22034/fademo.2026.585404.1194

ناشر: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
© نویسندگان.

مقدمه

متون درسی حامل مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی‌اند که می‌توانند پیام‌های اجتماعی و ایدئولوژیک را به‌صورت آشکار یا ضمنی منتقل کنند. ازاین‌رو، تحلیل دقیق ساختاری و محتوایی این منابع، بستر مناسبی برای شناسایی میزان توازن موضوعی، سوگیری‌های احتمالی و خلأهای مفهومی فراهم می‌آورد و در ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی نقش مؤثری ایفا می‌کند (Krishna, 2006, p. 78).

در نظام آموزش رسمی، تحلیل مفهومی و کیفی کتاب‌های درسی ـ به‌عنوان منابع اصلی هدایت فرایند یادگیری ـ از جایگاهی خاص برخوردار است. این کتاب‌ها نه‌تنها دانش نظری و اطلاعات علمی را در اختیار فراگیران قرار می‌دهند، بلکه چهارچوب‌های تربیتی آنان را نیز شکل می‌بخشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای آنان ایفا می‌کنند (بادرن، ۱۳۷۴، صص. ۳۴-۳۱).

رویکردهای تلفیقی کمی و کیفی در تحلیل محتوا، این امکان را فراهم می‌سازند که مفاهیم با دقت کدگذاری شده، میزان تکرار واژگان کلیدی ارزیابی گردد و لایه‌های پنهان معنایی متون به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد. بهره‌گیری از چهارچوب‌های استاندارد در فرایند کدگذاری، همراه با به‌کارگیری آزمون‌های سنجش‌پذیری، اعتبار[1] و قابلیت اعتماد[2] نتایج پژوهش را به طرز قابل توجهی افزایش می‌دهد (قائدی و گلشنی،۱۳۹۵، صص. ۷۸-۷۷).

با توجه به نقش بنیادین کتاب‌های درسی در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی، تدوین چهارچوبی نظام‌مند جهت تحلیل و ارزیابی این منابع، امری ضروری تلقی می‌شود. چنین چهارچوبی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفی محتوای آموزشی و هم‌راستایی آن با استانداردهای مصوب برنامه درسی باشد. پرداختن به مسئله ناعدالتی‌های اجتماعی در کتاب‌های درسی، نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی بنیادین در فرایند تربیت و آموزش شهروندان محسوب می‌شود.

1. Validity
2. Reliability

در اندیشه سیاسی، عدالت به‌عنوان معیار مشروعیت و کارآمدی نظام‌های حکمرانی شناخته می‌شود؛ چنان‌که امام علی(ع) بیان می‌فرمایند: «جَمَالُ السِّیاسَةِ العَدْلُ فِی الأَمْرِ، وَ العَفْوُ مَعَ القُدْرَةِ» (آمدی،۱۳۷۸، ج ۱، ص.۵۴۷)؛ بدین معنا که زیبایی سیاست (تدبیر امور)، اجرای عدالت در فرمان دادن (در امرونهی) و عفو و گذشت در هنگام توانایی (و قدرت بر مجازات) است.

عدالت اجتماعی از طریق تضمین توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و خدمات عمومی، زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدار و متوازن می‌گردد؛ درحالی‌که فقدان آن منجر به شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی، افزایش نارضایتی عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی خواهد شد. در چنین شرایطی، احساس وجود عدالت در جامعه، نقشی تعیین‌کننده در تقویت اعتماد عمومی، ارتقای امید اجتماعی و گسترش مشارکت مدنی ایفا می‌نماید؛ و در نقطه مقابل، بی‌عدالتی می‌تواند به بروز سرخوردگی، ناامیدی و فروپاشی انسجام اجتماعی بینجامد (کتابی و همکاران، ۱۴۰۰، صص. ۲۲۴ ـ ۲۲۳).

دانش‌آموزان به‌عنوان بخش بزرگی از جمعیت فعال کشور، آینده‌سازان عرصه‌هایی چون قانون‌گذاری، آموزش، سلامت و رسانه به شمار می‌آیند. ازآنجاکه بخش قابل‌توجهی از مواجهه اولیه آنان با مفاهیمی نظیر نابرابری، تبعیض و محرومیت اجتماعی از طریق منابع درسی رقم می‌خورد، ضرورت طراحی محتوای آموزشی مبتنی بر عدالت، بیش‌ازپیش نمایان می‌شود.

کتب درسی با تبیین دیدگاه‌های متنوع و طرح مسائل اجتماعی به شیوه‌ای تحلیلی، توانایی ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی[1] و بینش مدنی دانش‌آموزان را دارا هستند. یکی از اهداف بنیادین نظام آموزشی باید پرورش نسلی عدالت‌محور، مشارکت‌جو و نقاد اجتماعی باشد؛ چراکه آگاهی نسل جدید از نابرابری‌های موجود، آنان را به کنشگرانی فعال در مسیر اصلاح ساختارهای ناعادلانه و دستیابی به توسعه‌ای مبتنی بر عدالت تبدیل خواهد کرد.

در ادامه و به‌منظور تبیین مسئله پژوهش حاضر، باید به این نکته اشاره کرد که عدالت اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم و آرمان‌هایی است که نه‌تنها در شعارها، بلکه در ساختارهای فکری و سیاسی انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم ریشه

1.Critical thinking

در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه مکتب تشیع دارد؛ از همین‌رو، انقلاب اسلامی برخلاف بسیاری از جنبش‌های سیاسی، بر پایه عدالت‌خواهی دینی و ظلم‌ستیزی شکل گرفته است. امام خمینی عدالت را محور اصلی حکومت اسلامی دانسته و نظریه ولایت‌فقیه را بر اساس تحقق عدالت در جامعه ارائه کرده است (ر.ک.به:امام خمینی،۱۳۸۸، ج ۲، ص.۶۳۳). این گفتمان، عدالت را نه‌تنها در حوزه اقتصادی، بلکه در سیاست، فرهنگ، آموزش و حقوق اجتماعی دنبال می‌کند.

با این توضیح، مسئله اصلی پژوهش آن است که نظام آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران ــ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین نهادهای آموزشی و تربیتی کشور ــ تا چه اندازه در تألیف کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم متوسطه دوم، به تبیین و تفسیر مفهوم عدالت اجتماعی پرداخته است؛ مفهومی که به‌صورت طبیعی در حیطه این درس جای می‌گیرد.

نگارندگان در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا جهت‌دار[1] و با استفاده از متغیرهای موجود در نظریه عدالت اجتماعی جان رالز[2]، درس‌های مرتبط، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم با موضوع عدالت را، در این کتاب مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

آن دسته از دروس کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم که دارای ظرفیت قابل‌توجهی برای تبیین و واکاوی عدالت هستند عبارتند از:

- درس دوم (علوم اجتماعی)[3] : برخی پارادایم‌های موجود در جامعه‌شناسی، عدالت را به‌عنوان دال مرکزی گفتمان خود معرفی کرده‌اند و بر اساس آن، به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند.

- درس سوم (نظم اجتماعی)[4]: مفهوم نظم اجتماعی با پایداری و انسجام ساختارهای اجتماعی پیوند خورده است؛ ازاین‌رو، عدالت به‌مثابه یکی از عوامل بنیادی در حفظ این نظم قلمداد می‌شود.

1.Directional Content Analysis Method

۲. جان رالز فیلسوف سیاسی آمریکایی ((۱۲۹۱-۲۰۰۲ و نویسنده کتاب *A Theory of Justice* نظریه‌ای درباره عدالت که نظریه «عدالت به مثابه انصاف» را مطرح کرد. او با استفاده از مفاهیم «موقعیت اولیه» و «پرده نادانی»، اصولی برای توزیع عادلانه منابع در جامعه ارائه داد.

3.Social sciences

4.Social order

- درس ششم (قدرت اجتماعی)[1]: توزیع عادلانه قدرت از منظر جامعه‌شناسی، نقش کلیدی در تحقق عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. مشـارکت عمومی در فرایند تصمیم‌گیری نیز شـرط لازم برای دستیابی به عدالت محسوب می‌شود.

- درس هفتـم (نابرابـری اجتماعـی)[2]: ایـن درس با تمرکـز بر سـاختارهای نابرابر اجتماعی، به شکل مستقیم به تبیین عدالت و چگونگی مقابله با بی‌عدالتی می‌پردازد. در مجمـوع، دروس منتخب برای تحلیل محتوا، ارتباطـی نظام‌مند و معنادار با مقوله عدالت اجتماعـی دارند؛ ازاین‌رو، انتظار می‌رود کتاب مذکور در چهارچوب این دروس، مفهوم عدالت را به‌صورت دقیق، اسـتدلالی و هدفمند برای دانش‌آموزان تبیین کرده و زمینه‌ساز درک عمیق‌تر این مفهوم بنیادین شود.

۱. پیشینه پژوهش

رزاقی و کوچکیان در پژوهشـی با عنوان «بررسـی و تحلیل محتوای کتاب جامعه‌شناسـی متوسـطه دوم» (۱۴۰۲)، بـا بهره‌گیری از مدل تحلیل محتوای ویلیـام رومی، میزان درگیری یادگیرنده با محتوای کتاب جامعه‌شناسـی پایه دوازدهم را ارزیابی کردند. یافته‌های پژوهش نشـان داد که محتـوای کتاب در محدوده‌ای قـرار دارد که می‌تواند تا حـدی توانایی‌های مشـاهده، تحلیل و تفکر دانش‌آموزان را تقویت کند. همچنین نقاط قوت و ضعف کتاب در نحوه توزیع مفاهیم و فعالیت‌های آموزشـی شناسایی شد. این پژوهش از آن جهت برای تحقیق حاضر اهمیت دارد که کتاب مورد مطالعه مشـترک بوده و نتایج آن زمینه‌ای مناسب برای مقایسه نحوه بازنمایی مفاهیم عدالت اجتماعی در محتوای آموزشی فراهم می‌سازد.

افضل‌خانی و قدوسـی در مقالـه‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسـی دوره دوم متوسـطه بر اساس مؤلفه‌های شایستگی فرهنگی» (۱۴۰۲)، با استفاده از روش تحلیل محتوا و تکنیک آنتروپی شـانون، میزان توجه کتاب‌های جامعه‌شناسی به مؤلفه‌های مختلف شایستگی فرهنگی را بررسی کردند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که میان مؤلفه‌های مختلف

1.Social power
2.Social inequality

شایســتگی فرهنگی نوعی عدم توازن وجود دارد و برخی مؤلفه‌ها بیش از سایرین مورد توجه قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نحوه توزیع مفاهیم ارزشی و فرهنگی در کتاب‌های درسی می‌تواند بر فرایند تربیت شهروندی تأثیرگذار باشد؛ موضوعی که در پژوهش حاضر نیز از منظر عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

ذهبیون و همکاران در پژوهشـــی بـــا عنوان «تحلیل محتوای کتب جامعه‌شناســـی دوره دبیرستان از منظر تربیت شهروندی» (۱۳۹۵)، به بررسی میزان توجه کتاب‌های جامعه‌شناسی به مؤلفه‌های تربیت شهروندی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که مفاهیمی نظیر حقوق شهروندی، مسئولیت‌های اجتماعی، مشارکت مدنی و ارزش‌های دموکراتیک در کتاب‌های مختلف به‌صورت نامتوازن بازنمایی شده‌اند و برخی کاستی‌های محتوایی در حوزه آموزش شـــهروندی وجود دارد. ازآنجاکه نظریه عدالت جان رالز بر آزادی‌های اساسی، حقوق برابر و فرصت‌های منصفانه تأکید دارد، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در ارزیابی میزان هم‌سویی محتوای کتاب با تربیت شهروند عدالت‌محور مفید واقع شود.

در حوزه مباحث نظری عدالت، نعمتی در مقاله «بررسی و نقد نظریه عدالت جان رالز بـــا تأکید بر قلمرو و تعریف عدالت» (۱۳۹۶)، به تحلیل انتقـــادی مفاهیم بنیادین نظریه رالز پرداخت. وی با تبیین مفاهیمی همچون وضعیت آغازین، پرده جهل، اصل تفاوت و برابری فرصت‌ها، ضمن بررســـی ظرفیت‌های نظری این دیـــدگاه، محدودیت‌ها و چالش‌های آن را نیز مورد توجه قرار داد. این پژوهش یکی از مهم‌ترین منابع نظری تحقیق حاضر محســـوب می‌شـــود و مبنای استخراج شـــاخص‌ها و مؤلفه‌های عدالت اجتماعی برای تحلیل محتوای کتاب درسی را فراهم می‌آورد.

نیک‌نهـــاد و نیک‌نهاد در مقاله «تحلیل و نقد و بررســـی محتوای کتاب جامعه‌شناســـی پایه دوازدهم انسانی» (۱۴۰۴) که در چهاردهمین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی ارائه شد، به بررسی ساختار، محتوای آموزشی، مثال‌ها و پرسش‌های پایانی کتاب پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که کتاب از نقاط قوتی همچون توجه به مسائل بومی و نمونه‌های کاربردی برخوردار است، اما درعین‌حال با کاستی‌هایی مانند پراکندگی برخی مفاهیم نظری و محدود بودن فعالیت‌های تقویت‌کننده تفکر انتقادی مواجه اســـت. نتایج این پژوهش، به‌ویژه در تحلیل نحوه بازنمایی مفاهیم نابرابری و عدالت اجتماعی در کتاب، برای پژوهش حاضر اهمیت فراوانی دارد.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی درباره تحلیل محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسی، تربیت شهروندی، شایستگی فرهنگی و نقد نظریه عدالت رالز انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی که به‌صورت مستقیم بازنمایی عدالت اجتماعی را در کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم، بر مبنای مؤلفه‌های نظریه عدالت جان رالز و با توجه به جایگاه عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد، مشاهده نشده است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ مطالعاتی را پوشش داده و تصویری روشن از نحوه بازنمایی یکی از بنیادی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی در محتوای آموزشی رسمی کشور ارائه کند.

۲. مبنای نظری

۲-۱. مفهوم عدالت در نظریه جان رالز

مفهومی که جان رالز از عدالت ارائه می‌کند، رویکردی نوین و متمایز از برداشت‌های رایج سایر نظریه‌پردازان عدالت به شمار می‌آید. این نگرش خاص را می‌توان حاصل بنیان‌های نظری متفاوت و روش‌شناسی منحصربه‌فرد رالز در تدوین نظریه عدالت دانست. همچنین نگاه بین‌رشته‌ای او ـ که تلفیقی از ادبیات اخلاقی با عناصر اقتصادی، به‌ویژه آموزه‌های فایده‌گرایی کلاسیک و نئوکلاسیک ـ در شکل‌گیری این تعریف تازه از عدالت نقش مؤثری ایفا کرده است (رالز، ۱۴۰۳).

از منظر جان رالز، مفهوم «خیر» یا «فایده»[1] هنگامی که در جامعه بسط می‌یابد، می‌تواند اصل انصاف را تضعیف کند. به‌منظور جلوگیری از این پیامد، رالز تلاش می‌کند «حق» را جایگزین «خیر» در نظام ارزشی خود سازد. او معتقد است که کنش عادلانه دارای ارزش ذاتی است و نباید آن را صرفاً ابزاری برای تحقق منفعت شخصی قلمداد کرد. انگیزه عمل عادلانه در نظریه رالز نه از سودمحوری، بلکه از اخلاق‌گرایی و نوعی بی‌طرفی اخلاقی نشأت می‌گیرد. در چنین چهارچوبی، رالز می‌کوشد میان دو اصل بنیادین آزادی و برابری، تعادلی عقلانی و اخلاقی برقرار سازد و نظریه‌ای با عنوان «عدالت به مثابه انصاف» را بنیان نهد (بشیریه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص. ۱۱۶).

1. Benefit

جان رالز در نظریه خود به دنبال دستیابی به شرایطی است که در آن قدرت و ثروت به‌گونه‌ای عادلانه و متناسب در میان افراد جامعه توزیع شود. او عدالت را در قالب «عدالت اجتماعی»[1] تعریف می‌کند؛ به این معنا که هدف اصلی، نه صرفاً دستیابی به فضیلت فردی، بلکه طراحی اصولی نظام‌مند برای حل‌وفصل منصفانه تضاد منافع در چهارچوب ساختار اجتماعی است (رالز، ۱۴۰۳، صص.۱۸۵ ـ ۱۸۰).

در حوزه عدالت توزیعی، رالز تأکید دارد که منافع حاصل از همکاری اجتماعی باید به‌ویژه در خدمت محروم‌ترین و کم‌برخوردارترین اعضای جامعه قرار گیرد. از دیدگاه او، تحقق عدالت زمانی ممکن است که توزیع منافع و مسئولیت‌ها از طریق سازوکارهای اجتماعی و در چهارچوب نهادهای رسمی به شکل منصفانه انجام شود؛ زیرا نهادهای اجتماعی، مسیر دسترسی افراد به منابع را تعیین می‌کنند و ضوابط مرتبط با حقوق، امتیازات، قدرت سیاسی و مالکیت سرمایه را تعریف می‌نمایند (بشیریه، ۱۳۷۶، ص ۱۱۷).

جان رالز بر این باور است که انسان‌ها به‌طور طبیعی در پی دستیابی به بیشترین منافع ممکن‌اند و همین گرایش، پرسشی بنیادین را پیش روی او قرار می‌دهد: چگونه می‌توان در عین تحقق منافع فردی، جامعه‌ای مبتنی بر عدالت نیز بنا نهاد؟ رالز برای پاسخ به این مسئله، از نظریه قرارداد اجتماعی بهره می‌گیرد و تلاش می‌کند اصولی را ارائه کند که نه‌تنها سازگار با عقلانیت منفعت‌طلبانه انسان‌ها باشد، بلکه بتواند در چهارچوبی منصفانه، پایه‌های اخلاقی و عادلانه همکاری اجتماعی را تبیین کند (ایچ، ۱۳۷۷، ص.۳۵). از دیدگاه جان رالز، انسان‌ها با بهره‌گیری از گفتگو قادرند به توافق‌هایی دست یابند؛ توافق‌هایی که تحقق آن‌ها صرفاً در چهارچوب احیای نظریه قرارداد اجتماعی[2] ممکن است. رالز، ریشه اصلی مسئله عدالت را در تعارض منافع میان افراد جامعه شناسایی می‌کند و بر همین اساس، معتقد است که باید مکانیزمی برای تبدیل این تعارض‌ها به توافقی منصفانه طراحی شود. این سازوکار

1. Social justice

۲. نظریه قرارداد اجتماعی (Social Contract Theory) دیدگاهی در فلسفه سیاسی که بر اساس آن، مشروعیت حکومت از توافق فرضی یا واقعی میان افراد جامعه برای واگذاری بخشی از آزادی‌های فردی در ازای امنیت و نظم اجتماعی ناشی می‌شود. این نظریه از سوی فیلسوفانی چون توماس هابز، جان لاک، ژان‌ژاک روسو و بعدها جان رالز توسعه یافته است.

مطلوب، در نظریه او چیزی جز قرارداد اجتماعی نیست (علویان و مختاری، ۱۳۹۶، ص.۱۱۱).

در بنـد ۴۶ کتـاب نظریه عدالت، جان رالز تقریر نهایی خـود از دو اصل عدالت را برای نهادهای اجتماعی چنین بیان می‌کند:

اصل اول: هر فرد باید حق برابر برخورداری از گسـترده‌ترین نظام ممکن آزادی‌های اساسـی را داشته باشد؛ نظامی که برای همه افراد به‌طور یکسان قابل اجرا باشد.

اصل دوم: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به‌گونه‌ای سـامان یابند که دو شرط زیر تحقق یابد:

الف) به بیشـترین منفعت برای کم برخوردارترین افـراد بینجامند و با اصل پس‌انداز عادلانه سازگار باشند.

ب) دسـتیابی به مناصب و موقعیت‌ها، تحت شـرایط برابری منصفانه فرصت‌ها، برای همگان امکان‌پذیر باشد (Rawls, 1971, p. 266).

۱-۱-۲. قاعده اولویت آزادی[1]

اصـول عدالت باید به ترتیب الفبایی سـامان باید؛ بنابراین آزادی‌هـای بنیادین فقط به خاطر آزادی می‌تواند محدود شود. دو مورد وجود دارد: الف) آزادی با گستره کمتر باید منجر به تقویت نظام جامع آزادی برای همه شـود. ب) کمتر از آزادی برابر برای کسـانی که آزادی کمتری دارند باید قابل‌پذیرش باشـد؛ بنابراین در این نظریه آزادی ارزش نخسـتین هسـت البته جزئی از نظریه عدالت که به غیر از دو حالت مذکور به هیچ عذری نمی‌توان برای آن محدودیتـی ایجاد کرد و البته در نظریه عدالت رالز هیـچ‌گاه منظور خود از آزادی به‌عنوان یکـی از چالشـی‌ترین مفاهیم اجتماعی را تبیین نمی‌کند؛ اما دومیـن قاعده اولویت را رالز به‌صورت زیر بیان می‌نماید (رالز، ۱۴۰۳، صص. ۱۷۰ ـ ۱۴۰).

۲-۱-۲. قاعده اولویت دوم اولویت بر کارآیی و رفاه[2]

دومین اصل عدالت بر اصل کارآیی و حداکثر سـازی مجموع منافع مقدم است و فرصت.

1.Freedom priority rule

2.Prioritizing efficiency and well-being

منصفانه بر اصل تفاوت مقدم است. دو مورد وجود دارد: الف) نابرابری فرصت باید منجر به توسعه فرصت‌ها برای افرادی که از فرصت کمتری برخوردار هستند، شود؛ ب) نرخ پس‌انداز بیشتر باید متناسب با کاهش هزینه کسانی باشد که این سختی بر آن‌ها تحمیل می‌شود (Rawls, 1971, p.266).

۲-۲. حوزه عدالت در نظریه رالز

حوزه نظریه عدالت به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی در تحلیل و تفکیک دیدگاه‌های مختلف عدالت مطرح است و تفاوت در این حوزه، مبنای افتراق نظریه‌ها از یکدیگر به شمار می‌آید. در اغلب مطالعات انتقادی و تطبیقی، این مؤلفه مهم نادیده گرفته می‌شود و در نتیجه نظریه‌هایی با حوزه‌های متفاوت گاهی به اشتباه هم‌پوشان پنداشته می‌شوند. در پژوهش حاضر که به بررسی و نقد نظریه جان رالز می‌پردازد، باید به این نکته توجه کنیم که رالز قلمرو نظریه عدالت خود را عمدتاً بر تنظیم نهادهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز ساخته است (نادران و نعمتی، ۱۳۹۱، ص. ۸). «ساختار بنیادین جامعه، تنظیم نهادهای اصلی اجتماعی در قالب یک طرح همکاری موضوع اصلی اصول عدالت اجتماعی است. مشاهده کردیم که این اصول تکلیف حقوق و تکالیف این نهادها را مشخص نماید و توزیع مناسب منافع و هزینه‌های زندگی اجتماعی را باید تعیین نماید. اصول عدالت برای نهادها با اصولی که در رابطه با افراد و اعمال آن‌ها که در شرایط خاصی به کار می‌رود نباید درآمیخته گردد» (Rawls, 1971, p. 47).

از دیدگاه جان رالز، نهادها و سازمان‌های موجود در ساختار اجتماعی زمانی به‌صورت واقعی تحقق می‌یابند که با کارآمدی و بی‌طرفی اجرا شوند و بدین ترتیب، قابلیت قضاوت از منظر عدالت یا بی‌عدالتی را پیدا کنند.

۲-۳. مبنای عدالت در نظریه رالز

به باور جان رالز، فایده‌گرایی در تعریف مفاهیم «خیر» و «فایده»، در نهایت به شهود فردی متکی است. ازآنجاکه برداشت‌های نهایی انسان‌ها از خیر و فایده با یکدیگر متفاوت است، این اختلاف‌نظر منجر به تفاوت در فهم و تفسیر مفهوم عدالت نیز می‌شود. رالز بر این نکته تأکید دارد که نظریه عدالت باید تا حد امکان

از چنین داوری‌های شـــهودی[1] فاصله بگیرد. از دیدگاه او، نظریه‌اش تلاشی است برای کاهـــش اتکای نظریه عدالت بر برداشـــت‌های فردی و غیر قابل‌ســـنجش و در عوض، ارائـــه چهارچوبی عقلانـــی، نظام‌مند و قابـــل تعمیم برای تبیین عدالت اجتماعی اســـت (رالـــز، ۱۴۰۳، صص. ۵۰ - ۳۰). رالز در فصل ســـوم اثر برجســـته خود، بخـــش مهمی را به آنچه خود «تفســـیر فلســـفی از توجیه نظریه عدالت» می‌نامد، اختصاص داده است. این بخـــش به‌طور ویژه به تبیین بنیان‌های نظری و روش اســـتدلالی رالز می‌پردازد. از خلال این روش‌شناســـی و شیوه استنتاج اصول، می‌توان به مبانی عدالت از منظر وی نیز دست یافت (رالـــز، ۱۴۰۳). به‌طورکلی، مبانی نظری عدالت یکـــی از محوری‌ترین عناصر تمایز نظریه‌های گوناگون در این حوزه محســـوب می‌شـــود؛ ازاین‌رو، در برنامه‌های پژوهشی مرتبـــط با عدالت‌پژوهی، باید بـــه این جنبه توجه خاص و عمیـــق صورت گیرد (نادران و نعمتی، ۱۳۹۱، صص. ۱۶-۱۵).

نـــوآوری جان رالـــز در بهره‌گیری از مفهـــوم قرارداد اجتماعی، نقطـــه عطفی در نظریه عدالت اجتماعی اســـت؛ او از این مفهوم برای طراحی ســـاختار نهادهای عادلانه و دستیابی به جامعه‌ای متـــوازن و عادلانه در توزیع خیرات بهره می‌برد. این رهیافت، شـــبکه مفهومی متفاوتی نســـبت بـــه نظریه اخلاقی ایمانوئل کانت[2] دارد. کانت بـــر اصولی چون امر مطلق، امر مشروط عقل، عقل عملی، تاب آزادی (با تعریفی که خود ارائه می‌کند)، اراده مستقل، خودمختاری، رفتار تبعی، انگیزه تکلیف و انگیزه‌های سرشـــتی تأکید دارد. با وجود اینکه عدالت در اندیشه کانت جایگاه ویژه‌ای دارد، اما وی در نهایت درباره محتوای دقیق اصول عدالت ســـخنی روشن ارائه نمی‌دهد. در دیدگاه او، عدالت بیشتر به‌عنوان وظیفه‌ای اخلاقی در چهارچوب رفتار فردی تلقی می‌شود؛ اما رالز آن را حقی بنیادین برای شهروندان می‌داند و تلاش می‌کند نظریه خود را از آموزه‌های کلاســـیک ســـودگرایی و غایت‌گرایی تفکیک

1. Intuitive judgment

۲. کانت، ایمانوئل (۱۸۰۴-۱۷۲۴)، فیلسوف آلمانی عصر روشنگری، با تلفیق عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی، بنیان‌گذار فلسفه انتقادی مدرن است. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به نقد عقل محض، نقد عقل عملی و بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق اشاره کرد.

کنـد. از این منظر، هرچند رالز به شـیوه‌ای متفاوت نظریه‌پـردازی می‌کند، اما در تمایز از سودگرایی با کانت هم‌جهت است (دیرباز و مهری، ۱۳۸۹، صص ۶۹-۶۸).

۴-۲. مؤلفه‌های عدالت

جـان رالـز در تبیین نظریه عدالت خود، از مجموعه‌ای گسـترده از مفاهیـم بنیادین بهره می‌گیـرد؛ مفاهیمی چون «عدالـت به‌مثابه انصاف[1]»، «وضعیت نخسـتین»[2]، «خیرهای اولیه»[3]، «پرده جهل»[4]، «اصـل آزادی»[5]، «اصل تفاوت»[6]، «برابری منصفانه فرصت»[7]، «برابری دموکراتیک»[8]، «تعادل رفت‌وبرگشـتی»[9] و «قضاوت‌های متأملانه»[10] که هر یک نقشـی کلیدی در صورت‌بندی اصول مدنظر او ایفا می‌کنند (Rawls,1971).

رالز با اسـتفاده از این شـبکه مفهومی، تلاش می‌کند اصولی را طراحی و تبیین نماید که حاصل قرارداد اجتماعی فرضی در شرایطی منصفانه باشند؛ اصولی که بتوانند ساختار نهادهای اجتماعی را به‌گونه‌ای سـامان دهند که معیارهای عدالت اجتماعی بر آن‌ها حاکم گردد. در ساختار استدلالی و توجیهی نظریه عدالت جان رالز، تمامی مفاهیم بنیادینی که از اندیشه وی سرچشمه گرفته‌اند، از جایگاهی مهم و تأثیرگذار برخوردارند. رالز با تکیه بر این شبکه مفهومی تلاش می‌کنـد اصولی را عرضه کنـد که حاصل یک قرارداد اجتماعی فرضی در شـرایطی منصفانه باشند (حبیبی کندسر و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۷۷ ـ ۷۶). بااین‌حال، در میان این مفاهیم، «وضعیت نخسـتین» و «پرده جهل» نقش برجسـته‌تری ایفا می‌کنند؛ زیرا این دو، شـالوده

1. Justice as Fairness
2. Original Position
3. Primary Goods
4. Veil of Ignorance
5. The principle of freedom
6. The principle of difference
7. The principle of fair equality of opportunity
8. Democratic equality
9. Back and forth balance
10. Reflective judgments

روش‌شناسی و معرفت‌شناسی رالز را شکل می‌دهند و زمینه درک اصول عدالت او را فراهم می‌آورند. این مفاهیم چهارچوبی فراهم می‌کنند که در آن، انتخاب اصول عدالت بدون تأثیر سوگیری‌های شخصی و موقعیت‌های اجتماعی ممکن می‌گردد (Rawls,1971). وی در تعریف کلی از عدالت بیان می‌دارد که «عدالت به‌مثابه انصاف نظریه‌ای درباره احساسات اخلاقی ما آن‌گونه که از سوی داوری‌های متأملانه در تعادل رفت و برگشتی بروز می‌یابد هست. این احساسات احتمالاً بر اندیشه و عمل ما تا حدودی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین درحالی‌که مفهوم وضعیت نخستین بخشی از نظریه اقدام و عمل هست این بدان معنا نیست که وضعیت واقعی مشابه به آن وجود داشته باشد» (Rawls, 1971, p.104). آنچه ضرورت دارد این است که این اصول پذیرفته شده، نقش ضروری در استدلال اخلاقی و افعالی ما داشته باشد.

«پرده جهل» یکی از مفاهیم اساسی در فلسفه سیاسی جان رالز به شمار می‌رود. او در چهارچوب این وضعیت فرضی، شرایطی را ترسیم می‌کند که در آن افراد، هنگام انتخاب اصول عدالت، از تمامی ویژگی‌های شخصی خود مانند نژاد، جنسیت، مذهب، طبقه اقتصادی و جایگاه اجتماعی بی‌اطلاع هستند. این بی‌خبری هدفمند، امکان قضاوتی بی‌طرفانه و منصفانه را فراهم می‌سازد؛ چراکه افراد قادر نیستند تصمیم‌هایی بر اساس منافع خاص یا موقعیت‌های ممتاز خود اتخاذ کنند (رالز، ۱۴۰۳، صص. ۱۳۰-۱۲۰). این بی‌خبری موجب می‌شود که دیدگاه رالز به رنگ و بوی فرهنگ، نژاد یا ملیت خاصی آلوده نشود و انتخاب اصول عدالت در فضایی بی‌طرفانه صورت گیرد (علویان و مختاری، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲).

در چنین شرایطی، نظریه عدالت جان رالز به‌گونه‌ای بنیادین با مفهوم «انصاف» پیوند می‌خورد. ازآنجاکه افراد هیچ آگاهی‌ای از جایگاه آینده خود در جامعه ندارند، ناگزیر تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کنند که از جانب همگان قابل پذیرش باشد. هرچند هر فرد در پیِ تأمین منافع خویش است، اما فقدان شناخت از موقعیت اجتماعی یا امتیازات شخصی باعث می‌شود تا انتخاب‌ها منصفانه و عادلانه باشد (حبیبی کندسر و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۷۶).

تنها گزاره‌ای که آنان با اطمینان می‌دانند، این است که جامعه موردنظر با تضاد منافع[1] روبرو خواهد بود و هرکس تلاش دارد بهترین موقعیت ممکن را کسب کند، بی‌آنکه در این فرایند،

1. Conflict of Interests

حقوق دیگران را پایمال نماید؛ بنابراین پرده جهل نه‌تنها شرایطی بی‌طرفانه فراهم می‌آورد، بلکه انتخاب اصول عدالت را بر پایه انصاف و احترام متقابل ممکن می‌سازد (موحد، ۱۳۸۲، ص. ۳۲۱). بر همین اساس، نظریه عدالت رالز بر دو اصل بنیادین استوار است: اصل آزادی‌های برابر برای همه و اصل تفاوت که ناظر به بهبود وضعیت اقشار کم برخوردار در چهارچوب برابری فرصت‌هاست. این دو اصل، بنیان ساختار نهادهای عادلانه را شکل می‌دهند و چشم‌انداز او از جامعه دموکراتیک و منصفانه را پی‌ریزی می‌کنند (ایچ، ۱۳۷۷، ص. ۳۷۸).

در نظریه عدالت جان رالز، «آزادی» به‌عنوان اصل نخست، جایگاهی مقدم و تعیین‌کننده دارد. این اصل بر برخورداری برابر همه افراد از آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند. اصل دوم که به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد، در مرتبه‌ای پس از اصل آزادی قرار دارد و تنها در صورتی پذیرفتنی است که دو شرط اساسی را برآورده سازد: نخست، بیشترین سودرسانی به اقشار کم برخوردار جامعه؛ و دوم، تضمین فرصت‌های برابر برای دستیابی به مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی. براین‌اساس، آزادی بستر ضروری تحقق برابری را فراهم می‌کند و اصل دوم با سامان‌دهی به نابرابری‌ها، مانع از انسداد مسیر رشد و شکوفایی برای طبقات فرودست[1] می‌شود. این تنظیم منطقی، عدالت را از صرف توزیع ثروت فراتر برده و آن را به ابزاری برای توانمندسازی همه افراد جامعه می‌کند (علویان و مختاری، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲). در نهایت، جان رالز عدالت را به‌عنوان حذف امتیازهای بی‌وجه و ایجاد نوعی تعادل واقعی میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها در چهارچوب نهادهای اجتماعی تعریف می‌کند. این نظریه، با تأکید ویژه بر «برابری فرصت‌ها»، در پی آن است که دسترسی به مناصب قدرت و موقعیت‌های اجتماعی بر اساس شایستگی‌های فردی تعیین شود، نه روابط شخصی یا امتیازات ناعادلانه (Rawls, 1971).

رالز با پذیرش واقعیت دشواری تحقق برابری کامل در جامعه، بر ضرورت کاهش آثار منفی نابرابری‌ها تأکید می‌کند. از دیدگاه او، نابرابری‌های معقول می‌توانند زمینه‌ساز انگیزش، تلاش بیشتر و شکوفایی اقتصادی شوند؛ و درصورتی‌که این شکوفایی منجر به بهبود وضعیت اقشار محروم گردد، نابرابری پذیرفتنی خواهد بود. از نگاه جان رالز،

1. Deprived classes

نابرابری‌هـــای اجتماعی تنها در صورتی «پذیرفتنی» هســـتند که در خدمت ارتقای وضعیت گروه‌هـــای کم برخوردار قرار گیرنـــد. نظریه عدالت او نقطه تعادلی هوشـــمندانه‌ای تعیین می‌کند؛ جایی که نابرابری نه ابزار سلطه یا تبعیض، بلکه سازوکاری برای پیشرفت جمعی و تقویت عدالت اجتماعی به شمار می‌آید (مرادی و حکاک زاده، ۱۴۰۲).

این دیدگاه، با تأکید بر «برابری فرصت‌ها» و تنظیم عادلانه ســـاختارهای قدرت، در پی آن است که تخصیص مناصب و منابع اجتماعی بر اساس صلاحیت‌ها و توانمندی‌های فردی انجام گیرد، نه بر اســـاس امتیازات ناعادلانه یا روابط شخصی. در چنین جامعه‌ای، عدالت فراتر از صرفاً توزیع منابع تلقی می‌شود؛ بلکه در فرایند دستیابی به آن‌ها نیز نهادینه می‌گردد (حبیبی کندسر و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۶۶).

نظریـــه عدالت رالز از طریـــق تأکید بر آزادی‌های بنیادین و ســـازوکار منصفانه تنظیم نابرابری‌ها، بســـتری برای تحقق عدالت اجتماعی فراهم می‌ســـازد. ابزارهایی مانند «پرده جهـــل»[1] و «برابـــری فرصت‌ها» به حفظ انصـــاف در فرایند تصمیم‌گیـــری کمک کرده و عدالـــت را نه‌تنهـــا به‌عنوان فضیلت فـــردی، بلکه به‌عنوان خصیصه ســـاختاری نهادهای اجتماعی بازتعریف می‌کند (رالز، ۱۴۰۳). مع‌الوصف باید اذعان کرد که نظریه عدالت جان رالز یکی از تأثیرگذارترین چهارچوب‌ها در فلســـفه سیاســـی معاصر اســـت که با مفاهیمی همچـــون «پرده جهل»، انصـــاف، آزادی و نابرابری اجتماعی معنـــا می‌یابد. مقاله حاضر می‌کوشـــد تا مؤلفه‌ها و متغیرهای موجود در ایـــن نظریه در باب عدالت اجتماعی را برای تحلیل محتوای کتاب جامعه‌شناســـی پایه دوازدهم به کار بگیرد.

در ایـــن پژوهش، از تمامی مفاهیـــم و اصول نظریه عدالت اجتماعـــی جان رالز بهره اســـتفاده نمی‌شـــود. آنچه در اینجا کاربـــرد عملی دارد، به‌صورت شـــماتیک و در قالب جدول ارائه شـــده است تا چهارچوبی روشـــن و قابل‌فهم از اصول منتخب این نظریه برای مطالعه حاضر فراهم گردد.

1. Veil of ignorance

جدول شماره ۱: متغیرهای مورد استفاده در پژوهش حاضر
از نظریه عدالت اجتماعی جان رالز

متغیر	شرح مختصر
وضعیت آغازین (وضع اصلی)	انتخاب عدالت بدون اطلاع از موقعیت فردی و اجتماعی افراد
پرده جهل	جهل نسبت به ویژگی‌های فردی برای تحقق عدالت
اصل آزادی	تضمین آزادی برای همه افراد جامعه آزادی عدالت در برخواهد آورد
اصل تفاوت	پذیرش نابرابری‌ها درصورتی‌که به نفع محرومان باشد
برابری فرصت‌ها	فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای همه طبقات جامعه بدون در نظر گرفتن طبقه و استعداد طبیعی
خیرهای اولیه	پیش‌نیازهای زندگی شامل: آزادی، درآمد، احترام و آموزش
ساختار اساسی جامعه	نهادهای اصلی جامعه وظیفه توزیع عادلانه منابع را دارند

۳. روش پژوهش

تحلیل محتوا یکی از روش‌های نظام‌مند پژوهش در علوم انسـانی و اجتماعی اسـت که با هدف اسـتخراج اطلاعات معنادار از منابعی چون متون نوشتاری، تصاویر و سایر قالب‌های رسـانه‌ای به کار می‌رود. این روش با تبدیل داده‌های کیفی به شـاخص‌های قابل سنجش، امکان تحلیل عینی و شناسایی الگوها، پیام‌های نهفته و گرایش‌های ضمنی موجود در متون را فراهم می‌سازد (Krippendorff, 2013, pp.1-3). روش تحلیل محتوا در میانه‌های قرن بیستم و با پژوهش‌های لری برلسـون و هارولد لاسول، به‌عنوان ابزاری برای سنجش پیام‌های خبری و تبلیغاتی شـکل گرفت (Berelson, 1952, p.18). با گذشـت زمان، این شـیوه به دو رویکرد اصلی، یعنی تحلیل کمی و تحلیل کیفی، تقسـیم شـد؛ در رویکرد کمی، فراوانی واژگان یا موضوعات با اسـتفاده از روش‌های آماری بررسـی می‌شـود، درحالی‌که رویکرد کیفی بر تفسـیر عمیق و معنای ضمنی متن تمرکـز دارد (Neuendorf, 2002, pp. 36-40). گسـترش روزافزون داده‌های متنی و تصویری، تحلیل دسـتی و تفسـیری را برای پژوهشـگران دشوار

ساخته و تحلیل محتوا را به یکی از روش‌های مؤثر در استخراج اطلاعات معنادار تبدیل کرده است. این روش با بهره‌گیری از چهارچوب‌های کدگذاری، نرم‌افزارهای تحلیلی و شاخص‌های سنجش توافق میان کدگذاران، امکان انجام پژوهش‌های دقیق، تکرارپذیر و قابل مقایسه را فراهم می‌کند (کوهی‌نژاد و کوه‌گرد، ۱۳۹۵، صص. ۲۰۰- ۱۸۰).

ویژگی‌های مذکور، تحلیل محتوا را به ابزاری کلیدی برای بررسی روندهای فرهنگی، تحلیل سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای و ارزیابی تحولات نگرشی در جامعه تبدیل کرده است.

در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع جهت‌دار بهره گرفته شده است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع جهت‌دار[1] استفاده شده است. این روش برای بررسی بازنمایی مفاهیم نظری از پیش تعیین‌شده در متون آموزشی کاربرد دارد. این روش قیاسی و متکی بر نظریه‌ها طبقه‌بندی می‌کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴).

در تحلیل محتوای جهت‌دار، داده‌هایی که در قالب رمزهای موجود قابل طبقه‌بندی نیستند، مشخص و تحلیل می‌شوند تا جایگاه آن‌ها در قالب مقوله‌ها یا زیرمقوله‌های موجود یا جدید تعیین شود. در این روش، مبنای اصلی تحلیل، نظریه از پیش موجود است و نه نظر محقق (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، صص. ۲۶ ـ ۲۵).

واحدهای تحلیل از سه منبع اصلی، شامل متن کتاب (پاراگراف‌های آموزشی)، تصاویر و نمودارها و فعالیت‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده استخراج شدند. هر واحد تحلیل بر اساس شدت اشاره به عدالت (کم، متوسط و زیاد)، نوع اشاره (مستقیم یا غیرمستقیم)، نوع محتوا (متن، تصویر یا فعالیت) و اصل عدالت اجتماعی مرتبط با آن طبقه‌بندی و کدگذاری شد. واحد ثبت شامل جمله، پاراگراف، تصویر، فعالیت و پرسش بود و واحد تحلیل، تعداد دفعات اشاره، نوع اشاره و شدت یا عمق اشاره را دربر می‌گرفت.

پس از کدگذاری مفهومی، داده‌ها به‌صورت آماری سازمان‌دهی و کمی‌سازی شدند تا میزان توجه به عدالت اجتماعی در محتوای آموزشی به‌طور دقیق ارزیابی شود. جداول آماری، فراوانی اشاره‌ها، درصد اشارات مستقیم و غیرمستقیم و میزان شدت پرداخت به مفاهیم عدالت را نشان می‌دهند.

---

1. Directed Content Analysis

در مرحله نهایی، داده‌ها با رویکردی تفسیری و انتقادی تحلیل شدند. در این مرحله، نحوه بازنمایـی عدالت اجتماعی در متن آموزشـی، چالش‌های مفهومی موجود در پرداختن به این مفهوم و میزان انطباق محتوای کتاب با اصول نظریه عدالت اجتماعی جان رالز بررسـی شد. همچنین تأثیر این بازنمایی بر شکل‌گیری ساختار ذهنی دانش‌آموزان مورد تحلیل قرار گرفت.

هدف اصلی پژوهش، بررسی نحوه بازنمایی مفاهیم مرتبط با عدالت اجتماعی در درس هفتم کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم، با تمرکز بر اصول نظریه عدالت اجتماعی جان رالز بوده است. دراین‌راستا، پژوهش حاضر به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: میزان توجه کتاب به تحقق عدالت تا چه حد اسـت؟ شدت اشاره کتاب به اصل آزادی و برابری فرصت‌ها برای همه افراد جامعه چگونه اسـت؟ شدت و نوع اشاره کتاب به وضعیت رفاهی و پیش‌نیازهای زندگی، شامل آزادی، درآمد، احترام و آموزش برای محرومان، به چه صورت است؟ کتاب بـه فراهم‌سـازی فرصت‌های برابر برای همـه طبقات جامعه، بدون در نظـر گرفتن طبقه و اسـتعداد طبیعی تا چه میزان اشاره کرده است؟ و کتاب به وظایف نهادهای حاکمیتی برای تحقق عدالت تا چه اندازه پرداخته است؟

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. درس دوم: «علوم اجتماعی» از صفحه ۱۰ الی ۱۸

شماره	شماره صفحه	نوع محتوا	اصول عدالت اجتماعی	نوع اشاره	شدت اشاره	توضیحات تکمیلی
۱	۱۳	متن کتاب	اصل آزادی در عدالت اجتماعی	غیرمستقیم	متوسط	اشاره به انتقاد از پدیده‌های اجتماعی از وظایف علوم اجتماعی است
۲	۱۳	عکس	اصل آزادی در عدالت اجتماعی	غیرمستقیم	متوسط	اشاره به تسلط فناوری بر انسان‌ها
۳	۱۵	متن کتاب	اصل عدالت و برابری	غیرمستقیم	متوسط	اشاره به عدالت به‌مثابه یک فضیلت
۴	۱۵	متن کتاب	اصل آزادی در عدالت اجتماعی	مستقیم	زیاد	رها ساختن انسان از ظلم و اسارت

جدول آماری درس دوم: «علوم اجتماعی»

نوع محتوا	تعداد کل واحدهای تحلیل	تعداد اشاره مستقیم به عدالت اجتماعی	تعداد اشاره غیرمستقیم به عدالت اجتماعی	مجموع اشارات	درصد اشاره به عدالت اجتماعی
متن کتاب «پاراگراف»	۲۱	۰	۳	۳	۱۴/۲۸
فعالیت و پرسش	۴	۰	۰	۰	۰
تصویر و نمودار	۸	۴	۰	۱	۱۲/۵
جمع کل	۳۳	۱	۳	۴	۸/۹

۲-۴. تحلیل داده‌ها درس دوم

سه پاراگراف و یک تصویر در کتاب به مفهوم عدالت اختصاص یافته است که این امر، بیشتر نشان‌دهنده تمرکز کتاب بر اصل آزادی، به‌عنوان بُعدی اساسی از عدالت اجتماعی در نظریه جان رالز، است. بخش‌هایی از کتاب نیز به نقد پدیده‌های اجتماعی، تسلط فناوری بر انسان و رهایی از ظلم اشاره دارد که بیانگر رویکردی انتقادی و آزادی‌محور است. از چهار اشاره مستقیم و غیرمستقیم به عدالت، سه مورد به اصل آزادی به‌عنوان مقدمه تحقق عدالت اختصاص دارد و تنها یک مورد به اصل تفاوت که برداشتی اقتصادی‌تر از عدالت را بازنمایی می‌کند، اشاره کرده است. البته همان مورد نیز عدالت را به‌مثابه یک فضیلت مطرح می‌کند که احتمالاً در چهارچوب اخلاق اجتماعی قابل تفسیر است. ازاین‌رو، نحوه بیان کتاب بیش از آنکه بر کارکرد اجتماعی عدالت تأکید داشته باشد، بر جنبه ارزشی آن متمرکز است. به‌طور کلی، این درس تنها حدود ۹ درصد از محتوای خود را، آن هم با شدت و عمق اندک، به تبیین مسئله و ضرورت عدالت اختصاص داده است.

۳-۴. درس سوم: «نظم اجتماعی» از صفحه ۱۹ الی ۳۱

میـان نظم اجتماعـی و عدالت اجتماعی پیوندی ریشـه‌دار و متقابل وجـود دارد که در اغلب نظریه‌های اجتماعی و فلسـفه‌های سیاسـی مورد بررسـی قرار گرفته است. تحقق عدالت اجتماعی، یکی از شـروط اساسـی برای مشـروعیت و پایداری نظم اجتماعی به شـمار می‌رود. بر اساس نظریه جان رالز، عدالت اجتماعی نه‌تنها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و اسـتمرار نظم اجتماعی ایفا می‌کند، بلکه به‌عنوان عالی‌ترین و بنیادی‌ترین ارزش اجتماعی شناخته می‌شود (واعظی،۱۳۸۳).

از دیدگاه امام خمینی، عدالت اجتماعی نه‌تنها از اهداف بنیادی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود، بلکه عنصری کلیدی در تضمین تداوم آن و حفظ انسـجام نظم اجتماعی محسوب می‌شود. ایشان مکرراً هشدار داده است که فقدان عدالت، انقلاب را از مشروعیت و پایداری تهی خواهد سـاخت (ر.ک.به: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، صص. ۲۱۳، ۱۰۹). بااین‌حال، در درس سـوم جامعه‌شناسی پایه دوازدهم، با عنوان «نظم اجتماعی»، نه‌تنها به سویه مقابل نظم، یعنی کشمکش و تضاد اجتماعی ناشی از مناسبات ظالمانه، اشاره‌ای نشده است، بلکه به ضرورت برقراری عدالت برای ایجاد و حفظ نظم، انسجام، تعادل و پایداری جامعه نیز که هم در نظریه جان رالز و هم در اندیشه امام خمینی بر آن تأکید شده است، هیچ اشاره‌ای نشده است.

۴-۴. درس ششم: «قدرت اجتماعی» از صفحه ۵۴ الی ۶۸

جدول شماره ۴

شماره	شماره صفحه	نوع محتوا	اصول عدالت اجتماعی	نوع اشاره	شدت اشاره	توضیحات تکمیلی
۱	۵۴	عکس	اصل آزادی	غیرمستقیم	متوسط	اشاره به صندوق آرای عمومی
۲	۵۴	عکس	اصل عدالت و برابری	غیرمستقیم	متوسط	اشاره به عدالت قضایی و تظلم خواهی
۳	۵۵	متن کتاب	هم‌زمان به اصل آزادی و برابری	مستقیم	زیاد	اشاره به سرکوب، فقر و نابرابری

شماره	شماره صفحه	نوع محتوا	اصول عدالت اجتماعی	نوع اشاره	شدت اشاره	توضیحات تکمیلی
۴	۵۵	متن کتاب	هم‌زمان به اصل آزادی و برابری	غیرمستقیم	متوسط	همراهی دانش نوین با قدرت برای ایجاد کشمکش و ظلمت اجتماعی
۵	۵۷	متن کتاب	اصل ساختار اساسی جامعه برای تحقق عدالت	غیرمستقیم	کم	اشاره به اینکه قدرت مدرن غربی به دنبال تحقق فضیلت نیست
۶	۵۸	عکس	اصل آزادی	مستقیم	متوسط	تحویل یک فعال مدنی به آمریکا از سوی انگلیس «روز سیاه آزادی و دموکراسی»
۷	۶۰	متن کتاب	عدالت و برابری و اصل تفاوت‌ها	مستقیم	زیاد	به ناعدالتی سیستم مالیاتی که به نفع ثروتمندان و به ضرر محرومان است اشاره دارد
۸	۶۲	فعالیت و پرسش	اصل آزادی	مستقیم	زیاد	اشاره به تأثیر مشارکت سیاسی بر افزایش آگاهی
۹	۶۳	متن کتاب	اصل ساختار اساسی جامعه برای تحقق عدالت	مستقیم	زیاد	تمجید از دولتی که با فرار مالیاتی ثروتمندان مقابله می‌کند
۱۰	۶۴	عکس	هم‌زمان به اصل آزادی و برابری عدالت	مستقیم	زیاد	عدالت و آزادی مبنای حق
۱۱	۶۶	فعالیت و پرسش	اشاره به اصل آزادی و برابری عدالت	مستقیم	زیاد	آزادی موجب عدالت می‌شود

جدول آماری درس ششم «قدرت اجتماعی»

جدول شماره ۵

نوع محتوا	تعداد کل واحدهای تحلیل	تعداد اشاره مستقیم به عدالت اجتماعی	تعداد اشاره غیر مستقیم به عدالت اجتماعی	فراوانی اشارات	درصد اشارات
متن کتاب «پاراگراف»	۳۰	۳	۲	۵	۱۶/۶۶
فعالیت و پرسش	۹	۲	۰	۲	۲۲/۲۲
تصویر و نمودار	۱۳	۲	۲	۴	۳۰/۷۶
جمع کل	۵۲	۷	۴	۱۱	۲۳/۲۱

۵-۴. تحلیل داده‌های درس ششم

شدت و عمق اشـاره به متغیرهای عدالت اجتماعی در این درس با توجه به اینکه موضوع درس مسـتقیماً به مسـئله عدالت مربوط نمی‌شود خوب اسـت، ولی به لحاظ کمیتی تنها ۲۳ درصد متن به مسـئله به عدالتی پرداخته است.

به‌طورکلی، اشارات متن بدین شرح است:

- تأکید بر رأی‌گیری، بیانگر احترام به مشـارکت برابر است.
- عدالـت قضایی به رفع تبعیض و تحقق فرصت‌های برابر کمک می‌کند.
- نقد صریح نابرابری، همسـو با اصـل دوم عدالت در نظریه رالز، به‌ویژه در حمایت از محرومان، مطرح شده است.
- به خطر بهره‌برداری از علم در جهت گسـترش نابرابری اشاره شده است.
- قدرت مدرن، به دلیل بی‌توجهی به تحقق عدالت، مورد نقد قرار گرفته اسـت.
- نظام مالیاتی نابرابر که به نفع سـرمایه‌داران و به زیـان محرومان عمل می‌کند، نقد شـده است؛ امری که با اصل تفاوت در نظریه رالز همخوانی دارد.
- بر نقش آزادی در تحقق عدالت اجتماعی، که از منظر رالز بنیادی اسـت، تأکید شده است.

بااین‌حال، کتاب می‌توانست در برخی موارد، به‌ویژه در بحث عدالت، با تفصیل بیشتری به موضوع بپردازد. برای مثال، در تبیین مهم‌ترین هدف زندگی اجتماعی، دستیابی به فضیلت‌هایی چون سعادت، زندگی خوب و جامعه خوب را مطرح کرده و آن را مبنای تشخیص خیر و شر در کنش سیاسی دانسته است. مؤلف می‌توانست از عدالت به‌عنوان امر ارزشمند و یک فضیلت اخلاقی حکومت یاد کند که نکرده است؛ و در داوری سیاسی و مقایسه بین عملکرد قدرت‌های لیبرال و جمهوری اسلامی، عدالت را یک شاخص قضاوت در نظر نگرفته است. هرچند تنها ۲۳/۲۱ درصد سهم مفهوم و مسئله عدالت از این درس است، اما همین اندک اشارات از شدت و عمق به متوسط و با اغماض خوبی برخوردار بودند.

۶-۴. درس هفتم: «نابرابری اجتماعی» از صفحه ۶۹ الی ۸۱

جدول شماره ۶

شماره	شماره صفحه	نوع محتوا	اصول عدالت اجتماعی	نوع اشاره	شدت اشاره	توضیحات تکمیلی
۱	۶۹	عکس	اصل برابری	غیرمستقیم	زیاد	اشاره به تبعیض
۲	۶۹	متن کتاب	وضعیت آغازین (وضع اصلی)	مستقیم	زیاد	اشاره به در نظر گرفتن یا نگرفتن ویژگی‌های افراد در تقسیم ثروت
۳	۶۹	متن کتاب	هم‌زمان به اصل آزادی و برابری اصل ساختار اساسی جامعه برای تحقق عدالت	مستقیم	زیاد	اشاره به دخالت دولت به نفع محرومان
۴	۷۰	متن کتاب	وضعیت آغازین (وضع اصلی) و برابری فرصت‌ها	مستقیم	متوسط	تفاوت‌های اسمی نباید در رتبه‌بندی افراد مؤثر باشد

توضیحات تکمیلی	شدت اشاره	نوع اشاره	اصول عدالت اجتماعی	نوع محتوا	شماره صفحه	شماره
اشاره به نابرابری‌های طبیعی و اجتماعی	متوسط	مستقیم	اصل برابری	متن کتاب	۷۰	۵
اشاره به آپارتاید	زیاد	مستقیم	اصل برابری	عکس	۷۱	۶
اشاره به مبارزه زنان برای حق رأی	زیاد	مستقیم	اصل آزادی	عکس	۷۱	۷
تفاوت‌ها نباید بهانه‌ای برای نابرابری باشد	متوسط	مستقیم	برابری فرصت‌ها	فعالیت و پرسش	۷۱	۸
نقد فرصت‌های نابرابر	زیاد	مستقیم	وضعیت آغازین (وضع اصلی)	عکس	۷۲	۹
نقد سیستم فئودالی	متوسط	غیرمستقیم	برابری فرصت‌ها	عکس	۷۳	۱۰
اشاره به فراهم کردن پیش‌نیازهای زندگی شامل: آزادی، درآمد، احترام و آموزش برای جلوگیری از بی‌عدالتی	زیاد	مستقیم	خیرهای اولیه و برابری فرصت‌ها	متن کتاب	۷۳	۱۱
نقد رقابت ناعادلانه	زیاد	مستقیم	برابری فرصت‌ها	عکس	۷۳	۱۲
نقد رویکردی که قشربندی را موجه می‌داند	زیاد	مستقیم	برابری فرصت‌ها	متن کتاب	۷۵	۱۳
عدالت در رقابت، فراهم کردن مقدمات عدالت از سوی دولت	زیاد	مستقیم	خیرهای اولیه و برابری فرصت‌ها و ساختار اساسی جامعه	متن کتاب	۷۵	۱۴
حمایت دولت و نهادها از طبقات کم برخوردار	زیاد	مستقیم	برابری فرصت‌ها و ساختار اساسی جامعه	عکس	۷۵	۱۵

توضیحات تکمیلی	شدت اشاره	نوع اشاره	اصول عدالت اجتماعی	نوع محتوا	شماره صفحه	شماره
حمایت دولت و نهادها از طبقات کم برخوردار	زیاد	مستقیم	برابری فرصت‌ها و ساختار اساسی جامعه	عکس	۷۵	۱۶
حمایت دولت و نهادها از طبقات کم برخوردار	زیاد	مستقیم	برابری فرصت‌ها و ساختار اساسی جامعه	عکس	۷۵	۱۷
اشاره به برقراری عدالت اجتماعی	متوسط	مستقیم	برابری فرصت‌ها	متن کتاب	۷۵	۱۸
اشاره به برقراری عدالت اجتماعی	متوسط	مستقیم	برابری فرصت‌ها	متن کتاب	۷۵	۱۸
اشاره به اجرای سیاست‌هایی که به رفع تبعیض کمک می‌کنند	زیاد	مستقیم	برابری فرصت‌ها و ساختار اساسی جامعه	فعالیت و پرسش	۷۶	۱۹
اشاره به حمایت جامعه‌شناسی انتقادی از عدالت اجتماعی	متوسط	غیرمستقیم	برابری فرصت‌ها	متن کتاب	۷۷	۲۰
ایستادگی یک شخصیت سینمایی در مقابل نظام سرکوبگر	متوسط	غیرمستقیم	اصل آزادی	عکس	۷۸	۲۱
نقد جامعه‌شناسی انتقادی به ساختار سرکوبگر	متوسط	غیرمستقیم	اصل آزادی‌ش	متن کتاب	۷۹	۲۲
اشاره به همبستگی میان آزادی و عدالت	زیاد	مستقیم	اصل آزادی و برابری	فعالیت و پرسش	۸۰	۲۳
تحقیق راجع به جایگاه عدالت در قانون اساسی	متوسط	غیرمستقیم	اصل برابری	فعالیت و پرسش	۸۰	۲۴

جدول آماری درس هفتم: «نابرابری اجتماعی»

جدول شماره هفتم

نوع محتوا	تعداد کل واحدهای تحلیل	تعداد اشاره مستقیم به عدالت اجتماعی	تعداد اشاره غیرمستقیم به عدالت اجتماعی	فراوانی اشارات	درصد اشارات
متن کتاب «پاراگراف»	۳۴	۸	۲	۱۰	۲۹/۴۱
فعالیت پرسش	۳	۳	۱	۴	۱۰۰
تصویر و نمودار	۱۶	۷	۳	۱۰	۶۲/۵
	۵۳	۱۸	۶	۲۴	۶۳/۹۷

۴-۷. تحلیل داده‌های درس هفتم

در درس هفتم با توجه به‌عنوان آنکه مستقیماً به مسئله عدالت اجتماعی اشاره دارد، حدس زده می‌شد که به نسبت سایر دروس غیرمستقیم از شدت و عمق بیشتری به مفهوم عدالت برخوردار باشد. همان‌طور که آورده شد حدود ۶۴ درصد متن به عدالت و لزوم اجرای آن پرداخته است. ۷۵ درصد اشارات نیز مستقیم و ۶۳ درصد با شدت و عمق زیاد همراه بوده است. اگرچه در زمینه پرداختن به مسئله عدالت در ایران و چالش‌های آن کم‌کاری‌هایی وجود دارد. چراکه به ضرس قاطع می‌توان گفت مسئله عدالت در ذهن دانش‌آموز برساخته از جامعه ایرانی است. ولی به‌طورکلی اشارات فراوانی با کیفیت قابل قبولی به مفهوم عدالت داشته است.

در تحلیل محتوای درس هفتم با عنوان «نابرابری اجتماعی»، مفاهیم کلیدی نظریه عدالت جان رالز، از جمله برابری فرصت‌ها، آزادی‌های بنیادین، ساختار اساسی جامعه، وضعیت آغازین و نقد ساختارهای نابرابر اجتماعی، به‌طور برجسته مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. این مفاهیم، بنیان نظریه عدالت رالز را تشکیل می‌دهند و نقش تعیین‌کننده‌ای در سنجش عدالت نهادینه‌شده در ساختارهای اجتماعی ایفا می‌کنند.

استنتاج‌های کلیدی از تحلیل محتوای درس عبارتند از:

- به‌کارگیری نمونه‌هایی نظیر آپارتاید، مبارزه زنان برای حق رأی و ایستادگی در برابر نظام‌های سرکوبگر، دلالت بر توجه ویژه محتوا به اصل آزادی برابر دارد؛ اصلی که در نظریه رالز در تراز اول اصول عدالت اجتماعی قرار دارد.

- ارجاع مستقیم به همبستگی میان آزادی و عدالت در شماره ۲۳، حاکی از تلفیق دوگانه مفاهیم آزادی و برابری در جهت ساخت نظم اجتماعی عادلانه است؛ نگرشی که در مدل رالز نیز به‌عنوان تعادلی مطلوب تلقی می‌شود.

- تأکید بر نقش دولت در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر (شماره‌های ۱۵ تا ۱۷) و تبیین مکانیسم‌های برقراری عدالت رقابتی (شماره ۱۴)، در راستای اصل تفاوت است؛ به این معنا که نابرابری‌ها صرفاً زمانی قابل‌قبول‌اند که منجر به بهبود وضعیت طبقات محروم شوند.

-نقد ساختارهای قشربندی اجتماعی، رقابت ناعادلانه و اشاره به تأمین خیرهای اولیه نظیر آموزش و درآمد، از الزامات تحقق عدالت ساختاری در جامعه تلقی می‌شوند و با منطق باز توزیعی نظریه رالز انطباق دارند.

- پرداختن به شرایط اولیه تصمیم‌گیری افراد، در مواردی مانند نقد فئودالیسم، تفاوت‌های اسمی در رتبه‌بندی و نقد فرصت‌های نابرابر (شماره‌های ۴، ۹، ۱۰)، بیانگر تأکید بر اصل وضعیت آغازین در نظریه رالز است. در این چهارچوب، عدالت در صورتی معتبر است که افراد در موقعیتی فاقد مزیت‌های ناعادلانه اجتماعی یا اقتصادی، قواعد بنیادی جامعه را برگزینند.

در مجموع، محتوای آموزشی مورد نظر نه‌تنها به تشریح مفاهیم نظری عدالت اجتماعی پرداخته، بلکه زمینه‌ای برای تحلیل ساختارهای نابرابر از منظر جامعه‌شناختی فراهم آورده است؛ رویکردی که در تربیت ذهن انتقادی و آگاه اجتماعی دانش‌آموزان نقش مؤثری ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتکا به چهارچوب نظری جان رالز و رویکرد تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، به واکاوی نحوه بازنمایی مفاهیم عدالت اجتماعی در کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم پرداخته است. یافته‌ها نشان دادند که بازنمایی عدالت اجتماعی در این کتاب فاقد انسجام نظری و نظام‌مندی مفهومی بوده و به‌جز درس «نابرابری اجتماعی»، در سایر بخش‌ها به‌صورت پراکنده، سطحی و اغلب غیرمستقیم مطرح شده‌اند.

تحلیل محتوای مقدماتی کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم نشان می‌دهد که پرداختن به مفهوم عدالت، در برخی از دروس، از منظر علمی و ذاتی ضروری تلقی نمی‌شود. عناوین درسی نظیر «ذخیره دانشی»، «کنش اجتماعی»، «معنای زندگی»، «سیاست هویت»، «پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام» و «افق علوم اجتماعی در جهان اسلام»، به لحاظ مفهومی، روشی و فلسفی، ارتباطی صریحی با مسئله عدالت ندارند. ازاین‌رو، انتظار نمی‌رود که کتاب در قالب این مباحث، به‌صورت مبسوط به عدالت اجتماعی بپردازد. در درس «علوم اجتماعی»، مفاهیم عدالت عمدتاً در قالب فضیلت اخلاقی و از منظر آزادی فردی بازتاب یافته‌اند؛ سویه‌های ساختاری عدالت، مانند نقش نهادها یا توزیع عادلانه منابع، به حاشیه رانده شده‌اند. این نوع پرداخت، بیشتر متأثر از رویکرد فردگرایانه و اخلاق‌محور است تا تحلیل ساختاری و سیاست‌محور. درس «نظم اجتماعی» با وجود ظرفیت نظری برای بررسی پیوند میان عدالت و مشروعیت نظم اجتماعی، کاملاً از پرداخت به عدالت غفلت کرده است؛ امری که می‌تواند منجر به بازتولید تصورات ساده‌انگارانه از نظم اجتماعی در ذهن دانش‌آموز شود.

درس «قدرت اجتماعی» با رویکردی نقادانه‌تر به مفاهیمی نظیر تظلم‌خواهی قضایی، نابرابری ساختاری و نقش نهادها در رفع تبعیض پرداخته و از زاویه‌ای اجتماعی به عدالت نزدیک شده است؛ هرچند پرداخت آن همچنان موردی، فاقد انسجام نظری و گاه وابسته به مصادیق جزئی بوده است.

درس «نابرابری اجتماعی» تنها بخشی از کتاب است که به‌صورت مستقیم، منسجم و مفهومی به اصول بنیادین نظریه عدالت جان رالز پرداخته است. این درس توانسته است به

مؤلفه‌هایی چون وضعیت آغازین، اصل تفاوت، برابری فرصت‌ها، خیرهای اولیه و نقش ساختار اساسی جامعه توجه نشان دهد. پرداختن به مصا دیق تاریخی و اجتماعی چون آپارتاید، مبارزه زنان برای حق رأی و نقد ساختارهای قشربندی، بیانگر رویکرد انتقادی و آموزشی مؤلف در این بخش از کتاب است.

از منظر جامعه‌شناسی تربیتی، این پراکندگی روایی، عدم توازن مفهومی و غیبت عدالت در بخش‌های کلیدی کتاب، می‌تواند مانعی جدی در مسیر نهادینه‌سازی ارزش‌های عدالت‌محور، شکل‌گیری ذهنیت نقاد و توسعه سواد اجتماعی دانش‌آموزان باشد. در شرایطی که عدالت یکی از مفاهیم بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی و مأموریت راهبردی نظام آموزش‌وپرورش ایران محسوب می‌شود، غفلت از آن در محتوای رسمی آموزشی، منجر به بازتولید نابرابری معرفتی و اخلاقی خواهد شد.

کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم، با وجود پرداختن به مفاهیم عدالت اجتماعی، نقش دولت به‌عنوان نهاد اصلی اجرای عدالت (متغیر اصلی نظریه جان رالز) را به‌صورت محدود، موردی و غیر نظام‌مند مطرح کرده است. این کم‌توجهی به وظایف حاکمیتی در تحقق عدالت، به‌ویژه در زمینه‌های ساختاری و سیاست‌گذاری، می‌تواند موجب شکل‌گیری ذهنیتی ناقص در دانش‌آموزان نسبت به مسئولیت‌های دولت در جامعه شود.

از منظر گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی صرفاً یک مفهوم جامعه‌شناختی یا اقتصادی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین اهداف و مبانی مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی از آغاز شکل‌گیری خود با شعارهایی چون حمایت از مستضعفان، مقابله با تبعیض، رفع محرومیت و برقراری عدالت اجتماعی شناخته شده است. براین‌اساس، انتظار می‌رود کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتاب جامعه‌شناسی، تصویری منسجم، عمیق و نظام‌مند از عدالت اجتماعی و نسبت آن با آرمان‌های انقلاب اسلامی ارائه دهند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در برخی بخش‌ها، به‌ویژه درس «نابرابری اجتماعی»، به مؤلفه‌های عدالت توجه مناسبی شده است، اما بازنمایی این مفهوم در سطح کلان کتاب هنوز با جایگاه محوری عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی فاصله دارد. ازاین‌رو، تقویت پیوند میان آموزش مفاهیم

عدالت اجتماعی و آرمان عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی می‌تواند نقش مؤثری در تربیت نسـلی آگاه، مسئولیت‌پذیر و متعهد به تحقق عدالت در جامعه ایفا کند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشـنهاد می‌شود بازنگری در طراحی برنامه‌های درسی و تدوین چهارچوبی نظری و عدالت‌محور برای تحلیل محتوای آموزشی در دستور کار قرار گیـرد؛ چهارچوبی که با بهره‌گیری از نظریه‌های عدالت اجتماعی و رویکردهای انتقادی در جامعه‌شناسـی، به تربیت شهروندانی آگاه، مشارکت‌جو و عدالت‌طلب یاری رساند.

نویسندگان مقاله اعلام می‌دارند که در فرایند تهیه این اثر، از ابزار هوش مصنوعی DeepSeek صرفاً برای ویرایش زبانی و ترجمه چکیده استفاده شـده اسـت. کلیه محتوای تولیدی یا ویرایش‌شده با این ابزار را نویسـندگان به دقت بازبینی و تأیید کرده و مسئولیت کامل صحت علمی، امانت‌داری و یکپارچگی محتوای نهایی، بر عهده نویسـندگان مقاله اسـت. این ابزار هیچ نقشی در تولید ایده‌ها، تحلیل داده‌ها یا نتیجه‌گیری نهایی مقاله نداشته است.

منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۸). غررالحکم و درر الکلم. با شرح و ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- افضل‌خانی مریم و سمیرا قدوسـی (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه بر اساس مؤلفه‌های شایستگی فرهنگی. رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۷ (۴)، ۱۰۷-۱۳۲. http://noo.rs/PogLR
- امام خمینی، سـید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسـه تنظیم و نشـر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ایچ، مایکل (۱۳۷۷). فیلسـوفان سیاسـی قرن بیستم. ترجمه خشـایار دیهیمی. تهران: کوچک.
- ایمان، محمدتقی و نوشـادی، محمدرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳ (۲)، ۱۵- ۴۴. https://ensani.ir/fa/article/306236

- بـادرن، لورنس (۱۳۷۴). تحلیل محتوا. ترجمه محمد یمنی دوزی سـرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بشـیریه، حسین (۱۳۷۶). تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم. تهران: نی.
- حبیبـی کندسـر، مصطفی، دیلـم صالحی، بهروز و اسلامی، سـعید (۱۳۹۸). سـیر تطور اندیشـه جان رالز و زمینه‌های شـکل‌گیری نظریه عدالت. غرب‌شناسی بنیادی، ۱۰(۲)، ۶۳- ۸۸. https://doi.org/10.30465/os.2020.4951
- دیرباز، عسـکر و مهری، هژیر (۱۳۸۹). نسبت نظریه جان رالز با فلسفه اخلاق کانت و فلسـفه حق هگل. الهیات تطبیقی، ۱(۴)، ۵۳- ۷۲. http://noo.rs/66qzJ
- ذهبیون، شـهلا ، یوسفی، علیرضا ، یارمحمدیان، محمد حسین و کشتی آرای، نرگس (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتب جامعه‌شناسی دوره دبیرستان از منظر تربیت شهروندی. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۳ (۲)، ۱۳۶- ۱۴۷. http://noo.rs/H۹BWw
- رالـز، جان (۱۴۰۳). نظریه‌ای در باب عدالت. ترجمه مرتضی نوری. تهران: مرکز.
- رزاقـی، محمدرضا و زینـب کوچکیان (۱۴۰۲۳). بررسـی و تحلیـل محتوای کتاب جامعه‌شناسی متوسطه دوم. پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، ۵ (۱)، ۸۴-۱۰۵. https://ensani.ir/fa/article/556737
- علویان، مرتضی و مختاری، جمال (۱۳۹۶). مسـئله عدالت در آثار جان رالز و شـهید بهشتی. سیاست، ۴ (۱۳)، ۱۰۹-۱۲۰. https://www.ensani.ir/fa/article/374415
- قائدی، محمدرضا و گلشـنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شـناختی، ۷ (۲۳)، ۵۷ ـ ۸۲. https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_1905.html
- کتابـی، امیرعلی، شـفیعی‌فر، محمـد و سـلیمانی، غلامعلـی (۱۴۰۰). میزان تحقق مؤلفه‌هـای عدالـت اجتماعی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اسـاس الگوهای توسعه دولت‌ها. مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۲)، ۲۰۱-۲۲۳. https://www.spba.ir/article_137027.html
- کوهی‌نـژاد، علی و کوه‌گرد، طوبی (۱۳۹۵). تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسـی. تهران: اکبر زاده.

- مرادی، آمنه و حکاک‌زاده، محمدرضا (۱۴۰۲). بررسی دیدگاه جان رالز در مورد اصل عدالت. مطالعات فلسفه و حقوق، ۱(۱)، ۱- ۳۴.
https://philosophylawjournal.ir/browse.php?a_id=26
- موحد، علی (۱۳۸۲). در هوای حق و عدالت. تهران: کارنامه.
- نادران، الیاس و نعمتی، محمد (۱۳۹۱). نقد و بررسی مبانی و روش‌شناسی نظریه عدالت جان رالز. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۵ (۱)،۷- ۲۷.
https://ies.isu.ac.ir/article_1444.html
- نعمتی، محمد (۱۳۹۶). بررسی و نقد نظریه عدالت جان رالز با تأکید بر قلمرو و تعریف عدالت. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۷ (۳)، ۱۰۳-۱۲۲.
https://ensani.ir/fa/article/378218
- نیک‌نهاد، اسماء و فاطمه‌الزهرا نیک‌نهاد (۱۴۰۴). تحلیل و نقد و بررسی محتوای کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم انسانی. چهاردهمین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، تهران. https://civilica.com/doc/2455411
- واعظی، سید احمد (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسائل آن. قبسات، ۹ (۳۳)، ۱۸۹- ۲۰۷.
https://qabasat.iict.ac.ir/article_17315.html
- Berelson, B. (1952). *Content Analysis in Communication Research*. New York: Free Press.
- Krippendorff, K. (2013). *Content Analysis*: *An Introduction to Its Methodology* (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage
- krishna, K. (2006). *Education and the Good Society*. London: Routledge.
- Neuendorf, K. A. (2002). *The Content Analysis Guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press